



چرا کودکان بد رفتاری می کنند/ رفتارهای اجتماعی را به کودک خود بیاموزید

هرگاه کودک احساس ارزشمند بودن نداشته باشد با شیوه های مختلف درصدد جلب توجه بر می آید که گروهی از طریق رفتار نامطلوب و نامناسب...

هرگاه کودک احساس ارزشمند بودن نداشته باشد با شیوه های مختلف درصدد جلب توجه بر می آید که گروهی از طریق رفتار نامطلوب و نامناسب یعنی با ایجاد مزاحمت و دردسر و بی انضباطی کسب می کنند. به گزارش خبرگزاری مهر، اکثر کودکان به خوبی تشخیص می دهند که پذیرفتن نقشی که با ارزش های مجاز در جامعه در تعارض است، آنان را به مخاطره می اندازد و برای رفتاری که از نظر اجتماعی درست ارضا کننده نباشد، باید انتظار تنبیه و مجازات داشته باشند با این حال چرا عده ای از کودکان و نوجوانان برای والدین و یا مدارس مشکل می آفرینند و علی رغم پند و اندرزهای مکرر، به رفتاری که به و سیله جامعه تنبیه می شود، اصرار می ورزند؟ برای پاسخ به این پرسش ها به چند دلیل عمده می توان اشاره کرد.

- نیاموختن رفتارهای اجتماعی

عده ای از روانشناسان بر نفوذ و اثرات همانندسازی و الگوبرداری در یادگیری اجتماعی تاکید می کنند. کودکان از همان اوان طفولیت عادات و رسوم افرادی را که به رفتار آنان پاداش می دهند، در مواردی مانند غذا دادن به کودک، شیوه های کنترل ادرار و غیره را شناخته و می پذیرند. بر اساس این نوع مدل و الگو والدین و بعدها معلمان و همسالان، رفتار اجتماعی آنان را شکل می دهند.

کودکان اغلب با کنترل های درونی نامناسب و اجتماعی شدن های نامطلوب به مدرسه می آیند. مدرسه می تواند با ارائه ارزش های صحیح و منطقی بزرگسالان بیشترین کمک را به آنان بنماید. دادن پاداشهای مثبت مناسب، شناساندن و تدارک مدل های صحیح اخلاقی و تربیتی جهت همانند سازی آنان و یاری کردن آنها در یافتن رضایت و خشنودی واقعی در مدرسه از اهمیتی خاص برخوردار است. کودک منزوی که اغلب نیز تنبیه می شود و معجونی از شکست در خانه و مدرسه می باشد، بی شک انگیزه کمی برای پذیرش ارزش های صحیح مدرسه دارد.

تعارض نقش

اگر از کودکان انتظار برود نقش های مختلفی را چون فرزند خانواده، دانش آموز، ورزشکار، عضو گروه همسالان و... بازی کنند و هرگاه این نقش ها با یکدیگر در تعارض باشند، این سوال مطرح می شود که کدام یک از این نقش ها باید بیشتر مورد تاکید واقع شود. بدیهی است کودک به نقشی که بتواند بیشترین پاداش را به رفتار او بدهد، گرایش خواهد داشت. مثلاً در بعضی از خانواده ها فحش دادن تقریباً مرسوم است و به آن چندان اهمیتی نمی دهند؛ همین فحش دادن ممکن است نشانه پایگاه اجتماعی پسر در گروه همسالان باشد. در عین حال فحش دادن در مدرسه، همراه با عواقب و مجازات هایی است.

چنین اختلافات و تفاوت فرهنگی در معیارها ایجاد می کند که معلم شناخت صحیحی از جمعیت مدرسه خویش داشته باشد. وی باید از جایی که کودک هست آغاز به کار کند، و با کوششهای تدریجی بدون آنکه به روابط کودک با دیگران آسیب برساند، کودک را به طرف معیار های مورد پسند جامعه سوق دهد. هر گاه معیارها تفاوت فاحش داشته باشند و فشار زیادی بر کودک وارد شود، تعارض های مخاطره آمیزی به وجود خواهد آمد. علاوه بر این، مادامی که کودکان نتوانند تحمل کردن مدرسه را یاد بگیرند، کوشش در زمینه یادگیری آنان بی ثمر خواهد بود.

کودکان آسیب پذیر از لحاظ عاطفی را نمی توان مجبور به شرکت در فعالیت های مدرسه کرد، مگر آن که آنان بتوانند معلم و مدرسه را بپذیرند و به آن اطمینان و اعتماد کنند. فشار بر چنین کودکانی تنها بر احساس تهدید در آنان می افزاید و این افزایش به نوبه خود اضطراب نفرت و اشکال مختلف رفتار منفی گرایانه را در آنان تشدید می کند.

شرایط مدرسه

شرایط مدرسه که منجر به عدم سلامت روان و یا ناسازگاری کودک می گردد، همبستگی نزدیکی با مقررات اجرایی و انضباطی در مدرسه دارد. کودکی که نتواند به رضایت کافی از مدرسه دست یابد، اغلب در همانند سازی با اولیا مدرسه شکست می خورد و با مشکلات انضباطی و تحصیلی مواجه خواهد شد. مشکلاتی چون پر جمعیت بودن کلاسها، نبودن وسائل و امکانات لازم و بالاخره عدم شناخت معلم از دانش آموز یا عدم توانایی وی در تدریس و تفهیم مطالب درسی، پاره ای از این کودکان و نوجوانان در این شرایط ترک تحصیل می کنند و کودکان تیز هوش و کم هوش گاه تکالیف مدرسه را بی معنی و پوچ می یابند.

در نتیجه ویژگی های شخصیتی کودکان نیز در این امر دخیل می باشد، مهمترین تمایلات بنیادی کودکان یعنی نیاز به تعلق داشتن و

احساس امنیت، ناشی از نیاز به ارزشمند بودن است. هرگاه کودک نتواند در گروه خود به احساس ارزشمند بودن برسد، درصدد جلب توجه برای نشان دادن این که فردی با ارزش است بر می آید. این جلوه توجه ممکن است با شیوه های مختلفی تجلی کند برخی از کودکان از طریق پیشرفت تحصیلی، درسی، ورزشی و اجتماعی و غیره این نیاز را در خود برآورده سازند و بر عکس گروهی از طریق رفتار نامطلوب و نامناسب یعنی با ایجاد مزاحمت و دردسر و بی انضباطی کسب می کنند.

بنابر این همکاری متقابل خانه و مدرسه در این امر نقش به سزایی دارد. انجمن های خانه و مدرسه با ایفای نقش فعال تر باید والدین را در درک و شناخت فرزندانشان کمک کنند. یکی از بهترین انواع این انجمن ها، جلساتی است که با حضور والدین، فرزندان و معلمان تشکیل می شود و این جلسات باعث می شود که والدین و معلمان به برنامه ریزی مشترک در رابطه با استفاده هر چه بیشتر از امکانات هر دو نهاد، برای ایجاد تسهیل در رشد کودک و نوجوان شوند.